

عنوان مقاله:

نظریه های حقیقت و کاربرد آن ها در دادرسی های مدنی

محل انتشار:

مجله حقوقی دادگستری، دوره 76، شماره 79 (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

محمد مولودی - استادیار حقوق خصوصی دانشگاه بوعلی سینا همدان

مهدی حمزه هویدا

خلاصه مقاله:

وظیفه ی قاضی کشف حقیقت در امور موضوعی دعوا است؛ در باب حقیقت و چیستی آن، نظریه های متعدد و متفاوتی ابراز شده است؛ مهم ترین آن ها، نظریه های مطابقت، انسجام و عمل گرایانه است. نظریه ی نخست، با دنبال کردن یک دیدگاه رئالیستی، حقیقت را توافق و تطابق گزاره با واقعیت می داند. این نظریه به دلیل برخورداری از مبانی منطقی قابل دفاع و نیز اتفاق نظر گسترده در پذیرش آن، می تواند در دادرسی ها به عنوان تعریف حقیقت به کار رود. نظریه ی انسجام نیز به دلیل روی گردانی از سنت واقع گرایی در باب حقیقت، و هم چنین به سبب دشواری هایی که قضات در دسترسی به وقایع با آن ها مواجه اند، می تواند معیاری برای کشف حقیقت در برخی موضوعات قضایی باشد. عمل گرایان نیز حقیقت را در پرتو مفاهیم منفعت و مصلحت معنا کرده و چیزی را شایسته ی این عنوان می دانند که در عمل سودمند باشد. با روشن شدن معنای حقیقت، دادرس باید به دنبال احراز همین مفهوم باشد؛ وجود قیدهای مختلف در خصوص حقیقت، مانند حقیقت قضایی و نسبی، نباید دگرگونی و تغییر در مفهوم حقیقت را موجب شود

کلمات کلیدی:

مفهوم حقیقت، نظریه ی مطابقت، نظریه ی انسجام، نظریه ی پراگماتیسم، حقیقت قضایی، دادرسی مدنی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1214070>

